فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۴۰۲- صفحات ۳۶۳-۳۴۵

اثرات اصلاح راهبردهای تجارت خارجی بر اشتغال کامل (شواهدی از ایران)

نوع مقاله: پژوهشی

فاطمه اسدی زیدآبادی[۱]
علی سلمان پور[۲]
غلامحسین خورشیدی[۳]
عباس معمارنژاد[۴]
مهدی دیانی[۵]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲

چکیده

تجارت خارجی و ارتباط آن با رشد اقتصادی، یکی از موضوعات بسیار بحث‌انگیز به ویژه در انتخاب استراتژی‌های توسعه در کشورهای در حال توسعه است و هنوز بین اقتصاددانان برای این موضوع که چگونه سیاست‌های تجاری و اشتغال کامل می‌توانند ارتباط داشته باشند، توافق وجود ندارد. همچنین برنامه آزادسازی تجاری به عنوان فرایندی در اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی، زمینه‌ساز رقابت‌پذیری بین‌المللی و مشارکت کشورها در فعالیت‌های اقتصادی است. البته در جریان این برنامه، فعالیت‌هایی که از توان رقابتی خوبی برخوردار نباشد، امکان ادامه کار را از دست می دهد. بدین منظور اثرات رفاهی ناشی از اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی بر اشتغال کامل در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ از طریق روش مدل اتورگرسیو با وقفه توزیعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که آزادسازی تجاری از طریق به

۱ دانشجوی دکتری، علوم اقتصادی،واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران
asadi.f116@gmail.com
۲* استادیار ، گروه اقتصاد، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران (نویسنده مسئول)
ali_salmanpour@yahoo.com
۳ استاد تمام، گروه مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ghhossain@gmail.com
۴ استادیار ،گروه مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
memarnejad@srbiau.ac.ir
۵ استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه مواد و انرژی، تهران، ایران. fanbazar92@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

کارگیری سیاست‌های حذف و یا کاهش تعرفه‌ها و افزایش واردات در کوتاه مدت، اثر معنی‌داری بر روی اشتغال ایجاد می‌کند.

کلمات کلیدی: آزادسازی اقتصادی،رفاه، سیاست تجارت خارجی، اشتغال کامل، روش ARDL.
طبقه بندی JEL : F43 ,O50

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مقدمه

تعیین سیاست‌های تجاری در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که دولت‌ها همواره با آن مواجه بوده‌اند. سیاست تجاری اصولاً از مؤلفه‌های یک راهبرد توسعه است. دولت‌ها معمولاً با توجه به واقعیاتی مانند وضعیت اقتصادی بخش‌ها و بنگاه‌ها، وضعیت بازارهای داخلی و خارجی، روندها و تحولات داخلی و خارجی مؤثر بر تجارت و مانند این‌ها، اقدام به شناسایی بخش‌های پویا و رقابت‌پذیر اقتصاد کشور و همچنین تعیین رویه‌های مناسب برای تقویت این بخش‌ها می‌کنند. در این مجموعه، سیاست‌های تجاری بخشی از ابزارهایی‌اند که دولت‌ها برای تحقق اهداف راهبردی خود جهت توسعه صنعتی کشور به کار می‌گیرند.اساساً حتی اگر در کشوری راهبرد توسعه در فرآیندی مشخص یا در سندی رسمی تعیین و معرفی نشده باشد، نمی‌توان گفت که آن کشور ضرورتاً فاقد راهبرد توسعه است (براتی و شیرخانی، ۱۳۹۲).

واقعیت این است که مقررات و رویه‌های حاکم بر تجارت داخلی و خارجی، به هر حال همگی اجزای مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که با نگاهی جامع‌نگر، تصویری هرچند غیردقیق از راهبرد توسعه کشور ارائه می‌کند. برای نمونه، از بررسی ساختار تعرفه‌ای کشور می‌توان نتیجه گرفت که راهبرد جایگزینی واردات نقش محوری در تعیین سیاست‌های تعرفه‌ای ایران داشته است و همچنان دارد، یا آن که در برخی بخش‌های خاص می‌توان جای پای راهبرد توسعه صادرات را هرچند به شکلی نامنسجم مشاهده کرد. مؤلفه‌های مختلف راهبرد توسعه را به علاوه می‌توان در اسناد بالادستی کشور از قانون اساسی گرفته تا سند چشم‌انداز بیست ساله، سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های مختلف و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور ملاحظه کرد. البته اجزای راهبرد توسعه کشورمان در تمام موارد تصویر روشنی را ارائه نمی‌دهد و حتی در مواردی با هم تعارض دارد. در عین حال، اسناد بالادستی خاصی چون سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام در اقتصاد مقاومتی و مانند این‌ها علی‌الاصول با پشتوانه مطالعاتی قابل‌اتکایی تهیه شده‌اند و اهداف و راهبردهای برشمرده شده در آن‌ها مبنای تدوین سیاست تجاری کشور قرار خواهدگرفت (براقی-اسکویی، ۱۳۹۴). واقعیت این است که صرف‌نظر از وجود یا فقدان یک سیاست تجاری مدون، همه کشورها به هر حال دارای نوعی سیاست تجاری هستند، زیرا همه آن‌ها به هر حال از ابزارهای سیاست تجاری استفاده می‌کنند. کشور ما نیز از این حقیقت مستثنی نیست. اما وجود سیاست تجاری ضرورتاً به معنی هدفمند و منسجم بودن آن نیست .سیاست تجاری باید به نحوی تبیین شود که ابزارهای آن در راه تحقق اهداف برشمرده شده در بالا عمل کنند. نگاهی به تاریخچه عملکرد تجارت خارجی کشورمان به ویژه در دوران پس از انقلاب اسلامی مؤید این حقیقت است

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

که ابزارهای سیاست تجاری در ایران بیشتر به منظور رفع مشکلات آنی یا حداکثر رفع نیازها و تحقق اهداف کوتاه‌مدت به کار گرفته شده‌اند.

این مشکلات از یک سو به ساختار اقتصادی خاص کشور که دولتی بودن و وابستگی به نفت و همچنین فقدان یک راهبرد توسعه هدفمند و منسجم، و در نتیجه تخصیص به شدت ناکارآمد منابع کشور در بخش‌های مختلف از ویژگی‌های اصلی آن است، و از سوی دیگر به مشکلات برون‌زای تحمیل‌شده بر این نظام اقتصادی همچون جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی مربوط می‌شود. برخی از این مشکلات با گذشت زمان خود به معلول فقدان سیاست تجاری هدفمند و منسجم تبدیل شده‌اند. برای نمونه می‌توان گفت تک محصولی ماندن و وابستگی شدید اقتصاد به نفت، و تخصص‌گرایی پایین در تولید کالا و خدمات از عمده نتایج فقدان یک سیاست تجاری منسجم است.رقابت‌پذیر نبودن صنایع کشور حتی در بازار داخلی را نیز تاحدودی می‌توان معلول فقدان سیاست تجاری و از سوی دیگر سیاست صنعتی مناسب دانست. به علاوه، عدم وجود مسیری مشخص در سیاست‌های تجاری، به ویژه طی سال‌های اخیر موجب سردرگمی فعالان تجاری، و به ویژه کاهش اعتماد به محیط اقتصادی کشورمان و حتی کاهش سرمایه‌گذاری شده است. در این راستا هدف تحقیق حاضر پاسخگوئی به این سئوال اصلی است که اثرات اصلاح سیاست های تجارت خارجی در اشتغال کامل بر رفاه چیست؟

۱-ادبیات پژوهش

۱-۱.سیاست‌های تجارت خارجی

تجارت خارجی به داد و ستد کالا یا خدمت دارای ارزش فراسوی مرزهای بین‌المللی گفته می‌شودکه در بسیاری از کشورها نمایانگر میزان تولید ناخالص داخلی است. دیدگاه‌ها نسبت به مسائل اقتصادی و ارائه راهبردهای اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، مشهودتر و متفاوتتر است، زیرا در اقتصادهای در حال توسعه انعطاف‌ناپذیری "ساختاری" و عملکرد نامؤثر "بازارها"، باعث پاسخ کند و ضعیف اقتصاد به علایم قیمتی شده است و برای نیل به اهداف رشد مطلوب مداخله "دولت" و اتخاذ راهبردها ضروری تلقی می‌شود. به طور کلی برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته جهت ساختار اقتصادی سالم و توانمند، چهار راهبرد عمده تعریف شده است: راهبرد جایگزینی واردات، راهبرد توسعه صادرات، راهبرد رشد متوازن و راهبرد رشد نامتوازن.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

در این کشورها سیاست‌های تجاری در دو طبقه متمایز الف. جانشینی واردات، ب. توسعه صادرات قرار می‌گیرد (چن و لوی[۱]، ۲۰۱۱).

تجارت بین‌المللی، تبادل کالا و خدمات در سراسر مرزهای ملی است. در اغلب کشورها، نشان دهنده بخش مهمی از تولید ناخالص داخلی است (بهرادامین و همکاران، ۱۳۹۶). نظریه‌های نوین تجارت در چارچوب شکل گیری نظریه رشد درون‌زا صورت گرفته که این نظریه بر ارتباط بین تجارت خارجی و رشد اقتصادی تأکید می‌نماید. اقتصاددانانی نظیر رومر[۲] (۱۹۸۶)، گروسمن و هلپمن[۳] (۱۹۹۱) پایه‌های نظری ارتباط مثبت بین تجارت خارجی و رشد اقتصادی را مطرح می‌کنند و در مقالات خود نشان دادند که چگونه تجارت خارجی می‌تواند بر نرخ رشد اقتصادی تأثیرات پویا و بلندمدت داشته باشد. نظریات جدید تجارت خارجی بعضی از فرض های مدل‌های سنتی، نظیر وجود رقابت کامل را مورد انتقاد قرار داده و فرض‌های واقعی‌تری را وارد مدل می‌نمایند. تجارت خارجی را عامل برانگیزاننده و تسریع کننده رشد اقتصادی دانسته زیرا دست‌یابی به طیف گسترده‌ای از دانش تکنولوژیکی را فراهم آورده و انتقال این دانش را تسهیل نموده و این نظریه بر وجود رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و آزادسازی تجارت خارجی تأکید می‌کند (حنفی، ۱۳۹۶).

با اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی، تولید ملی و صادارت صنعتی در تعامل با تولیدکنندگان و تجارت جهانی تقویت می‌شود و محصولات صنعتی ما در کلاس جهانی قرار می‌گیرند. لذا فقدان روابط تجاری صنعتی و نبود زیرساخت‌ها و بسترهای مقرراتی و قانونی و هماهنگ با کشورها می‌تواند هزینه‌های سنگینی را به تولیدکنندگان بخش خصوصی کشور تحمیل کند و مانع رشد سریع و مستمر اقتصادی ایران شود. همچنین باعث تضمین اشتغال کامل و تقویت در آمد واقعی خواهد شد و همچنین به ترتیبات سودمند دو جانبه و متقابل به منظور کاهش تعرفه‌ها و سایر موانع موجود بر سر راه تجارت به عنوان ابزارهای دستیابی به رفاه عمومی توجه دارد.

۲-۱.اشتغال مطلوب

اشتغال مطلوب به این معناست که هر کسی که به دنبال کار است از ساعات کاری که به آن نیاز دارند را با «دستمزدهای منصفانه» برخوردار باشند. از آنجا که مردم کارشان را عوض می‌کنند اشتغال کامل به این معناست که نرخ بیکاری پایدار در حدود ۱ تا ۲ درصد کل نیروی کار باشد ولی این به معنای کم اشتغالی که در آن کارگران پاره وقت نمی‌توانند از ساعاتی که برای یک زندگی

---

۱ -Chen & Lovy

۲ - Romer

۳ - Grissmen & Helpmen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

شایسته به آن نیازمندند برخوردار باشند نیست (آیوکی[۱]، ۲۰۱۳). در اقتصاد کلان، اشتغال کامل گاهی به صورت سطحی از بیکاری که در آن بیکاری ادواری وجود ندارد تعریف می‌شود. برخی اقتصاددانان به اشتغال کامل باور ندارند و تورم را از تبعات محتمل اعمال آن می‌دانند (چن و لوی، ۲۰۱۱). برقراری تجارت آزاد و حذف موانع بازرگانی، موجب ایجاد فضای رقابتی در یک کشور با کشورهای دیگر است، در حالی که این احتمال نیز وجود دارد که با به کارگیری سیاست‌های آزادسازی تجاری، فعالیت‌هایی که در سایه سیاست‌های حمایتی شدید شکل گرفته‌اند دچار مشکل شوند. همچنین در جریان تطبیق فعالیت‌های اقتصادی، آزادسازی تجاری منابع تولید به سمت فعالیت‌هایی سوق پیدا می‌کند که توان رقابتی و ایجاد ارزش افزوده بیشتری به دنبال دارد. در نتیجه این امر، فعالیت‌هایی که از توان رقابتی زیادی برخوردار نیست، دچار رکود می‌شود و افزایش سطح بیکاری را در کوتاه مدت به دنبال خواهد داشت.

۳-۱.رفاه اقتصادی

«رفاه»عبارت است از مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در چارچوب موسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی و تامین سعادت انسان عرضه می‌شود تا زمینه رشد او را فراهم نماید (آرمان‌مهر و فرهمندمنش، ۱۳۹۶). همچنین، رفاه، بیانگر قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی است (وفائی، محمدزاده، اصغرپور و فلاحی، ۱۳۹۷). امروزه در مطالعات انجام شده، بیشتر از شاخص‌های ترکیبی برای اندازه‌گیری رفاه اقتصادی استفاده می‌شود. یکی از جامع‌ترین شاخص‌های ترکیبی موجود برای سنجش میزان رفاه اقتصادی شاخص ارائه شده توسط اوزبرگ می‌باشد که مرکز مطالعات استاندارد زندگی آن را توسعه داده است.(اسلنیک،۲۰۱۹) این شاخص از بین متغیرهای اقتصادی، بیشترین اهمیت را به اجزاء مرتبط با ابعاد چهار متغیر مصرف، ثروت، توزیع درآمد و امنیت اقتصادی می‌دهد.(واریتا،۲۰۲۰).

حال با درنظر داشتن ملاحظات اقتصاد سیاسی، دولت‌ها بعد از افزایش تورم، به دنبال اتخاذ سیاست‌هایی برای کاهش آن خواهند بود چراکه تورم همچون مالیات مالی عمل می‌کند و بر روی افراد فقیر بیشتر از ثروتمندان اثر می‌گذارد، چراکه آنها در مقایسه با ثروتمندان مقدار بیشتری از دارایی خود را به صورت نقدی نگهداری می‌کنند، در حالی که افراد ثروتمند دسترسی بیشتری به بازارهای مالی دارند که باعث محافظت دارایی‌های آنان در مقابل تورم می‌شود(اوسبرگ و شارپ،۲۰۱۹). طبق نظریه نوردهاوس دولت‌ها بلافاصله بعد از تورم، تقاضای کل را کاهش می‌دهند

---

۱ - Ayoki

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

که این موضوع همراه با افزایش بیکاری، سرانجام منجر به کاهش انتظارات تورمی خواهد شد. از آنجا که مردم حافظه زودگذر دارند، این استراتژی می‌تواند در انتخابات بعدی نیز تکرار شود، از این رو دولت‌ها می‌توانند از رفتار فرصت‌طلبانه‌ای نفع ببرند که عمداً اقتصاد را گرفتار دور تجاری سیاستی القایی می‌کند و از تثبیت خارج می‌سازد.(رانجان،۲۰۲۰).

۱-۴.راهبرد و رفاه عمومی

راهبرد به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه ای برای رسیدن به آنها است.به بیان دیگر راهبرد طرح درازمدتی است که برای نیل به یک هدف بلند مدت مشخص طراحی و تبیین می‌گردد.این مفهوم که در دهه ۹۰ وارد عرصه اقتصاد شده است که به دنبال تدوین سیاست هایی می باشد که بتوان رفاه عمومی را از نظر اقتصادی تامین نموده و موجب بهبود آن شد.(پیغامی و منصوری،۱۳۹۵).

امروزه برداشت های متفاوتی از رفاه عمومی وجود دارد و آنچه امروزه در بحث های رفاه پدید آمده گفتگوی جدی درباره دو دیدگاه متفاوت از مسئولیت دولت است که این دو دیدگاه را به صورت رفاه اجتماعی « پس اندازی» و « نهادی» خلاصه کرده اند. رفاه عمومی پس اندازی را می توان نظام « قانون فقر» نامید، چون صرفا معطوف به از بین بردن محرومیت است؛ در این صورت معنی رفاه به افزایش بهزیستی محدود می شود که آن هم حاصل نوعی تعدیل « بسیار کم یا اندک» از ثروتمندان به افراد بسیار فقیر است. در رفاه عمومی نهادی همه افراد جامعه در استفاده از امکانات رفاهی مانند بهداشت، بیمه بیکاری، حقوق بازنشستگی، آموزش و پرورش و امثال آن حق دارند.(بلیک،۱۳۸۵)

می توان رفاه عمومی را به عنوان مجموعه اقدامات و تدابیری دانست که برای کاستن، تخفیف یا از بین بردن مسائل و مشکلات ناشی از رشد اقتصادی و رشد های نا هماهنگ در زمینه های تربیتی ، بهداشتی، درمانی و پاره ای امور و پدیده های اجتماعی مانند اقتصاد، عدم توسعه متعادل اقتصادی ـ اجتماعی در سطح جامعه به کار می رود.(موهبتی،۱۳۸۷).

۲- پیشینه تحقیقات

مهیمنی زاده و همکاران(۱۳۹۸) نشان دادند که با استفاده از متغیر سهم اشتغال بخش‌های اصلی اقتصاد شامل کشاورزی، صنعت و خدمات به عنوان متغیرهای ساختاری در قالب الگوی تعادل عمومی محاسبه‌پذیر، تأثیر تغییرات ساختاری بر رفاه اقتصادی، از طریق تغییرات رفاهی معادل هیکس اندازه گیری شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

بهرادامین و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که در حالت اتخاذ سیاست هدف‌گذاری تورم، نسبت به حالت عدم اتخاذ این سیاست، از شدت و دوره زمانی اثرات منفی شوک درآمدهای نفتی کاسته شده است. این سیاست در کنترل تورم به طور کاملاً موفق عمل نموده و از شدت کاهش صادرات و افزایش واردات در زمان بروز شوک کاسته است. برقی‌اسکویی (۱۳۹۴) تأثیر کاهش نرخ تعرفه کالاهای وارداتی بر بازار کار ایران را با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه ایستا بررسی کرده است. نتایج بررسی وی نشان می‌دهد با کاهش نرخ تعرفه، سطح اشتغال افزایش می‌یابد، اما با توجه به اینکه با کاهش بیشتر تعرفه، نرخ رشد دستمزد نیروی کار ماهر روند نزولی پیدا می‌کند، آزادسازی تجاری باعث افزایش نابرابری دستمزدها می‌شود.محمودی(۱۳۹۳) در مقاله ای بیان داشت که رفاه ایران از سه ناحیه تخصیص کارآ، رابطه مبادله و درآمدهای تعرفه افزایش پیدا کرده است. با اینکه سرمایه گذاری، تغییر در تقاضای کلی نیروی کار و بهبود تکنولوژی، عامل مهمی در تغییر رفاه ناشی از سیاست تجاری می باشند، به علت محدودیت توانایی مدل، تغییرات آنها صفر تلقی گردید، اما تئوری نشان داد که می توانند منشأ آثار رفاهی باشند.جعفری و همکاران(۱۳۹۱) در مقاله ای بیان داشتند که شاخص سنتی درجه باز بودن تجاری اثری منفی بر اشتغال ولی شاخص جدید جهانی شدن اقتصادی KOF اثری مثبت بر سطح اشتغال در ایران داشته-است. بنابراین پیشنهاد می شود که در مطالعات تجربی آتی، به جای شاخص سنتی درجه باز بودن تجاری از شاخص جدید و جامع KOF به عنوان متغیر نماینده جهانی شدن استفاده گردد.

مصری نژاد (۱۳۸۹) در مقاله خود به بررسی ارتباط آزادسازی تجاری و رقابت پذیری بین‌المللی در ایران با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه ایستا پرداخته و نشان می‌دهد آزادسازی تجاری دست‌کم در کوتاه مدت، قدرت رقابت‌پذیری بین‌المللی بخش‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. ذوقی‌پور و زیبایی (۱۳۸۸) به بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر بخش‌های اقتصادی ایران در قالب یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه پرداختند. نتایج مربوط به شبیه‌سازی مدل نشان می‌دهد کاهش تعرفه ها به میزان ۵۰ و ۱۰۰ درصد در کل بخش‌ها، به کاهش کل عرضه محصول و سرمایه‌گذاری و افزایش کل صادرات، واردات، درآمد و مصرف خانوارها منجر می‌شود. نیکمنش (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که در اثر اجرای سیاست آزادسازی تجاری در کشور، میزان کل تولیدات کاهش یافته، اما عرضه کالا و خدمات در بخشهای کشاورزی، آب، برق و گاز و به دنبال آن اشتغال در این بخش‌ها افزایش مییابد.دوگان و ژانگ (۲۰۱۸) بیان داشتند که تکامل حقوق بین‌الملل، حقوق بشر را از حمایت بین‌المللی برخوردار نموده است؛ اما در روابط بین‌الملل تجاری، قابل‌ذکر است که اصولاً تجارت بین دولت‌ها فارغ از توجه به مسائل حقوق بشری است ولی با

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

شکل‌گیری نظام تجارت جهانی رویکرد تغییر نموده و این تغییر متأثر از تحولات حقوق بین‌المللی به‌طورکلی است.

آیوکی (۲۰۱۳) نشان می‌دهد افزایش واردات از هر دوگروه کشورهای عضو کمیسون اقتصادی افریقا و بازار مشترک شرق و جنوب افریقا موجب کاهش فقر در اوگاندا می‌شود. چن و لوی (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که موانع فنی قابل توجه در برخی صنایع به همراه هزینه های حمل و نقل کالاهای سنگین به لحاظ وزن، از مهم‌ترین عوامل محدود کننده تجارت هستند. اومولو[۱] (۲۰۱۱) نشاند داد آزادسازی تجاری بخش صنعت را بیشتر از بخش کشاورزی متأثر می‌سازد و از بعد رفاهی، بیشترین آسیب رفاهی متوجه فقیرترین گروه درآمدی شهرنشین خواهد شد. کلینگ[۲] و دیگران (۲۰۰۹) نشان می‌دهد پیوستن به این سازمان از طریق ایجاد اشتغال، افزایش دستمزدهای واقعی، کاهش فقر و افزایش نابرابری بین بخش شهری و روستایی بر توزیع درآمد مؤثر است.

با توجه به بررسی های صورت گرفته در ادبیات پژوهشی می‌توان بیان داشت که تدوین پیش-بینی اثرات رفاهی ناشی از اصلاح سیاست های تجارت خارجی در جهت تحقق اهداف بنیادین سند راهبرد ملی توسعه صادرات غیرنفتی کشورشامل: دستیابی به سبد صادراتی و تنوع کالاها و خدمات و پایداری توسعه صادرات اقلام موجود، ماندگاری و حفظ سهم در بازارها، دستیابی به تنوع بازارهای صادراتی، محیط مساعد صادرات کالاها و خدمات در سطح ملی، ارتقاء سطح رقابت‌مندی کالاها و خدمات صادراتی، دستیابی به خدمات پیشرفته و رقابتی پشتیبانی صادرات دستیبابی به بنگاه‌های شایسته صادراتی و در کلاس جهانی بوده است موضوعی که در تحقیقات قبلی بدان توجه ای نشده است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به اهدافی که دنبال می‌نماید جزء تحقیقات کاربردی بوده است و از نظر فرایند انجام کار جزء تحقیقات توصیفی و اکتشافی از نوع پس رویدادی است که داده‌های بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ از بانک اطلاعاتی وزارت بازرگانی گردآوری شدند و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ARDL و نرم‌افزار Eviews استفاده شده است. بدین ترتیب با توجه به تجربه جهان درباره آثار آزادسازی تجاری برررشد اقتصادی و اشتغال کشورهای جهان و حساسیت ویژه‌ای که در مورد این سیاست در داخل کشور وجود دارد در بخش بعدی برای دستیابی به اهداف این مطالعه، یک مدل رگرسیونی اشتغال برای اقتصاد ایران تصریح می‌شود.

---

۱ - Omolo

۲ - Cling

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۳-۱ ارائه مدل

در بیشتر مطالعات مربوط به ادبیات اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی بر رابطه نظری و تجربی آزادسازی و اشتغال تأکید شده است؛ به عبارتی توسعه مبادلات تجاری بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد و به رشد اشتغال منجر می‌گردد. هدف این بخش، ایجاد یک چهارچوب مبتنی بر ارتباط بین آزادسازی تجاری و اشتغال است به گونه‌ای که چگونگی تأثیرگذاری توسعه تجارت از طریق به کارگیری سیاست‌های رفع موانع تجاری بر سطح اشتغال کشور بررسی می‌شود. مدل مورد استفاده در این مقاله بیانگر روابط بلندمدت واردات، صادرات، اشتغال و سایر عوامل است. لازم به ذکر است که بردار مذکور از طریق تابع تولید حاصل می‌گردد و هدف اصلی این است که یک بررسی عملی و تجربی بتواند ارتباط بین اشتغال و تجارت را نشان دهد به گونه‌ای که آزادسازی تجاری روی اشتغال تأثیرگذار است. برای ایجاد ارتباط میان متغیر اشتغال با متغیر صادرات از تابع تولید کاب-داگلاس استفاده می شود:

$$(۱)\ GDP=A_t, Lt, \delta 1K_t^{\delta 2,} X_t^{\delta 3}$$

که در آن GDP,A,L,K,X به ترتیب عبارت است از: صادارت،موجودی سرمایه،نیروی کار،عامل پیشرفت تکنولوژی و تولید ناخالص داخای ، $\delta 3, \delta 2, \delta 1$ به ترتیب کشش‌های تولید نسبت به اشتغال، سرمایه و صادرات است. برای رسیدن به تابع تقاضای نیروی کار، می‌توان با نرمالیزه کردن تابع تولید نسبت به نیروی کار (L) معادله نیروی کار مورد نیاز را استخراج کرد. دراینجا سرمایه (K) به عنوان متغیر برون‌زا در نظر گرفته می‌شود:

$$LNL_t= -1/\delta^1 LnA_t+1/\delta^1 LnGDP_t+ \delta^2/\delta^1 LnK_t- \delta^3/\delta^1 LnX_t \quad (۲)$$

اکنون فرم رگرسیونی معادله اشتغال به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$LNL_t=\alpha_0+\alpha_1 LnK_t+\alpha_2 LnGDP_t+\alpha_3 LnX_t+U_{t1} \quad (۳)$$

متغیر صادرات درمعادله یادشده می تواند بیانگر نقش بخش تجاری بر سطح اشتغال کشور باشد و از طرفی توسعه صادرات هم می تواند به واسطه تامین منابع و تجهیزات بویژه از ناحیه آزاد سازی در واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای شکل بگیرد.

در تصریح مجدد رابطه (۳) متغیر تجارت (TR) شامل مجموع صادرات و واردات جایگزین مناسبی برای متغیر صادرات است به گونه‌ای که استراتژی و عملکرد تجاری کشور را بر بخش‌های واقعی اقتصاد به ویژه اشتغال مشخص می‌سازد. این بدین معنی است که افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، ظرفیت تولید کالاهای تجاری و غیرتجاری را افزایش می‌دهد و بر اشتغال کشور نیز مؤثراست. پس رابطه (۴) به این صورت قابل تعریف است:

$$LnL=\beta_0+\beta_1 LnK+\beta_2 LnGDP+ \beta_3 LnTR+U_2 \quad (۴)$$

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

U_2 متغیر تصادفی و عامل اخلال است و شامل عوامل توضیح داده نشده و غیرعمده بر سطح اشتغال است. علاوه بر این، طبق مطالعه تومیورا[۱] (۲۰۰۱) مـی‌توان با اسـتفاده از تابع هزینه، تابع تقاضای استاندارد اشتغال را حتی در صنعت به دست آورد به گونه‌ای که در آن سطح تولید وهمچنین دستمزد و هزینه‌های تولید (ارزش واردات) بر سطح اشتغال تأثیرگذار است. وی اثر قیمت واردات را بر اشتغال در کوتاه مدت، مثبت ارزیابی می کند به گونه‌ای که رابطه بین قیمت واردات و تقاضای کار غیرمستقیم است و چنانچه قیمت واردات افزایش یابد، واردات کاهش و در مقابل، تقاضا برای تولیدات داخلی افزایش می‌یابد، اما در بلندمدت گـسترش ظرفیت‌های تولید داخلی به واردات سرمایه‌ای و در نتیجه آزادسازی در بخش تجارت نیاز دارد. سرانجام، بخش تجاری از طریق آزادسازی تجربی وافزایش واردات بر اشتغال تاثیرات مثبتی را ایجاد می‌کند که می‌تواند یکی از عوامل تعیین کننده و تأثیرگذار برسطح اشتغال باشد. براین اساس، می‌توان فرم نهایی مدل اشتغال را نیز بر حسب تابعی از حجم ترکیب واردات (IM_i) به ویژه واردات سرمایه‌ای و واسطه‌ای به این صورت تعریف نمود:

$$LnL_t=\gamma_0+\gamma_1 LnK_t+\gamma_2 LnGDP_t+\gamma_3+LnIM_t+LnMC_t+LnIMI_t+LnIMK_t \quad (۵)$$

بنابراین، هر یک از متغیرهای ترکیب واردات کل (IM_i)، واردات مصرفی (IMC)، واردات واسطه-ای (IMI) و واردات سرمایه‌ای (IMK) جایگزین متغیر تجارت در مدل اشتغال می‌شود، همان‌گونه که ممکن است اثرات متفاوتی را بر اشتغال ایجاد کند. لازم به ذکر است که تمام متغیرهای به کار رفته در رابطه (۴) و متغیرهایی که در هر مرحله جایگزین متغیر تجارت (TR) در رابطه (۵) می-گردد به صورت لگاریتمی است. به طور کلی با توجه به وجود متغیرهای مشخص شده در الگوی اشتغال و به خصوص تأثیرگذاری متغیرهای واردات بر سطح اشتغال، بردار X_1 در قالب مدل‌های اتورگرسیو (VAR) قابل تعریف است که در آن روابط پویای بین متغیرها در دوره‌های زمانی کوتاه بررسی می‌گردد.

۴-یافته‌های پژوهش

ابتدا به منظور بررسی پایایی و وجود ریشه واحد، سری‌های زمانی متغیرهای مورد استفاده در مدل اشتغال از آزمون دیکی- فولر استفاده شده است. حال با توجه به جدول (۱) مشاهده می‌شود که قدر مطلق آماره دیکی- فولر محاسبه شده برای هر یک از متغیرها در سطح از قدر مطلق آماره بحرانی کوچکتر است و بنابراین فرضیه $H0$ یا وجود ریشه واحد را نمی‌توان رد کرد پس همه متغیرها در سطح ناپایا است، اما با یک بار تفاضل‌گیری از همه متغیرها پایا بودن متغیرها به اثبات

۱ - Tomiora

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

می‌رسد. البته در مورد موجـودی سـرمایه (K) حتی بـا یک بار تفاضل‌گیری متغیر پایا نشده است، اما به دلیل استفاده از روش ARDL در تخمین و خاصیت این روش که حتی اگر متغیری ناپایا بماند، ترکیب خطی متغیرها در کل پایا می‌شود، مشکلی در خدشه‌دار شدن نتایج به وجود نمی‌آید. بدین ترتیب متغیرهای مدل به جز k هم جمع از مرتبه یک است.

جدول ۱. نتایج آزمون برای متغیرهای مدل در سطح و تفاضل مرتبه اول

وجود روند			عدم وجود روند		
متغیر در سطح	تعداد وقفه	آماره t	متغیر در سطح	تعداد وقفه	آماره t
LL	۱	-۳,۴۵	DLL	۰	-۴,۵۶
LGDP	۱	-۲,۶۵	DLGDP	۰	-۳,۸۷
LK	۱	-۲,۸۷	DLK	۰	-۲,۸۶
LIM	۰	-۱,۲۳	DLIM	۱	-۴,۹۰
LIMC	۰	-۲,۳۴	DLIMC	۱	-۲,۳۱
LIMI	۱	-۲,۸۷	DLIMI	۱	-۴,۴۴
LIMK	۱	-۱,۷۷	DLIMK	۱	-۳,۵۴
LX	۰	-۲,۳۱	DLX	۰	-۲,۸۹
LOPEN	۱	-۱,۳۴	DLOPEN	۱	-۲,۳۱
۱TI	۱	-۲,۰۱	DTI	۱	-۴,۵۰

منبع: نتایج تحقیق

حال نتایج بر آورد شده در چهار حالت استفاده از انواع واردات در مدل اشتغال به ترتیب در جدول های ۵،۴،۳،۲ گزارش شده است. این نتایج، نشان دهنده معنی‌داری ضرایب متغیرهای واردات در مدل اشتغال است. با این حال بجز واردات سرمایه‌ای، سایر واردات بر سطح اشتغال ایران در طول دوره زمانی مو رد نظر تأثیر معکوس ایجاد می‌کند. در عمل، در اثر آزادسازی و توسعه از طریق افزایش واردات سرمایه‌ای سطح اشتغال افزایش می‌یابد.

جدول ۲. نتایج تخمین به روش (۱،۰،۰،۱) نقش واردات کل بر سطح اشتغال

متغیر توضیحی	LL_{t-1}	$LGPD_t$	LK_2	LIM_t	LIM_{t-1}
ضریب	۱,۵۴	۰,۰۲	۰,۰۴	۰,۰۱	۰,۰۵
آماره t	۳۰,۲۲	۱,۶۵	۲,۷۶	۱,۹۰	۲,۳۳
R^2	۰,۹۹۶				

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۳. نتایج تخمین به روش (۱,۰,۰,۱) نقش واردات مصرفی بر سطح اشتغال

متغیر توضیحی	LL_{t-1}	$LGPD_t$	LK_2	$LIMC_t$	$LIMC_{t-1}$
ضریب	۲,۵۴	۰,۰۲	۰,۰۵	۰,۰۱	۰,۰۳
آماره t	۱۲,۴۳	۲,۷۷	۲,۹۸	۴,۶۶	۲,۸۹
R^{2s}	۰,۹۹۶				

جدول ۴. نتایج تخمین به روش (۱,۰,۰,۰) نقش واردات واسطه‌ای بر سطح اشتغال

متغیر توضیحی	LL_{t-1}	$LGPD_t$	LK_t	$LIMI_t$
ضریب	۳,۵۵	۰,۰۵	۰,۰۳	۰,۰۲
آماره t	۲۳,۵۵	۲,۶۵	۱,۷۶	۳,۵۵
R^2	۰,۹۹۷			

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۵. نتایج تخمین به روش (۶,۵,۶,۶) نقش واردات سرمایه‌ای بر سطح اشتغال

متغیر توضیحی	LL_{t-2}	LL_{t-6}	$LGPD_{t-4}$	LK_{t-6}	$LIMK_t$
ضریب	۰,۵۶	۰,۲۳	۰,۲۱	۰,۳۷	۰,۴۱
آماره t	۲,۵۱	۳,۵۵	۲,۹۰	۱,۶۵	۱,۰۹
R^2	۰,۹۹۹				

منبع: نتایج تحقیق

چنانچه شاخص برونگرایی اقتصاد و یا به عبارتی درجه باز بودن اقتصاد ایران جـایگزین متغیـر تجارت در مدل اشتغال شود، برآورد نتایج حاکی از تأثیر مثبت این متغیر بر سطح اشتغال است؛ به عبارتی هر چه برونگرایی اقتصادی از طریق آزادسازی تجاری شدت یابد، سطح اشتغال را در سرانجام افزایش می‌دهد. نتایج تخمین مدل به روش ARDL و کاربرد متغیر برونگرایی در جدول (۶) گزارش شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

جدول ۶. نتایج تخمین به روش (۱،۰،۰،۰) نقش برونگرایی بر سطح اشتغال

متغیر توضیحی	LL_{t-1}	LL_{t-6}	$LGPD_t$	LK_t	LOPENt
ضریب	۰,۸۸	۰,۶۶	۰,۲۱	۰,۶۲	۰,۲۴
آماره t	۲۰,۵۵	۳,۲۲	۴,۵۵	-۲,۷۶	۱,۷۶
R^2	۰,۹۹۵				

منبع: نتایج تحقیق

به طورکلی، نتایج حاصل از تخمین ARDL در جدول‌های قبلی، نشاندهنده وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای موجود در مدل با متغیر اشتغال است. بر اساس اطلاعات جدول یادشده ، متغیر برونگرائی از بعد واردات رابطه مثبتی بر سطح اشتغال است، به گونه‌ای که یک درصد افزایش در درجه برونگرائی از بعد واردات متکی بر سیاست‌های آزادسازی واردات می‌تواند ۰,۲۴ درصد افزایش در اشتغال را در بلندمدت در پی داشته باشد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که نتایج مدل رگرسیونی، رابطه‌ی بین اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی بر اشتغال کامل در ایران در دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۷ نشان دادند، توجه به سیاست آزادسازی تجاری در شکل‌های مختلف می‌تواند آثار مثبتی را، در بلندمدت بر سطح اشتغال کشور داشته باشد. در واقع آزادسازی‌های اقتصادی در قالب برنامه‌های مختلف آزادسازی تجاری از جمله ویژگی‌های بارز جهانی شدن است که در سطح اقتصاد خرد به قانونمند شدن فعالیت‌های تولیدی بر مبنای نظام بازار منجر گردیده است و در سطح کلان رشد اقتصادی، اشتغال و رفاه را برای کشورها افزایش داده است. کشور به کارگیری کننده این استراتژی در صدد بهره‌گیری از بازارهای بین‌المللی در اقتصا د جهانی است و از این طریق در تولید کالاهایی خواهد کوشید که در تولید آنها دارای مزیت نسبی و رقابتی است و در نتیجه کالاهایی تولید می‌کند که در بازارهای جهانی قابل عرضه است.

در مقابل در ابتدای فرایند آزادسازی ممکن است آزاد شدن نیروی کار، بیشتر از جذب آن در صنایع جدید اتفاق بیفتد که به طور طبیعی به افزایش شاخص‌های بیکاری منجر می شود به تدریج که این فرآیند ادامه پیدا کند، رشد اشتغال مثبت می‌شود و تأثیر بسزایی در ارتقای کارایی منابع تولید خواهد داشت. در عمل، نتایج این مطالعه نیز روشن‌گر آثار بلند مدت ناشی از سیاست آزادسازی تجاری است که در مدل اشتغال و به کارگیری انواع مختلف متغیرهای تجارت ظاهر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

گردید. نتایج این مطالعه نشان داد که سیاست آزادسازی تجاری بسته به نوع کالاهای وارداتی، آثار متفاوتی را بر سطح اشتغال کشور بر جای می‌گذارد.

توسعه اقتصادی مستلزم تغییرات ساختاری است و طبق نظریه سیمون کوزنتس (۱۹۵۵) ، طی فرآیند توسعه، توزیع درآمد دستخوش تغییر می‌شود. کوزنتس توسعه اقتصادی را به عنوان تغییر ساختار از اقتصاد سنتی به اقتصاد نوین نگاه می‌کند و این فرضیه را مطرح می‌کند که در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور، نابرابری درآمد نخست افزایش یافته و پس از ثابت ماندن در سطح معینی، به تدریج کاهش می‌یابد، که به منحنی U-وارون کوزنتس شهرت یافته است. از سوی دیگر در زمینه رفاه و ارتباط آن با درآمد و نحوه توزیع درآمد باید گفت که تغییرات رفاه افراد وابستگی خاصی به سطوح درآمدی آنها دارد و لذا شاخص‌های ارائه شده در مورد رفاه، عمدتاً از شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد تبعیت می‌کند. نظریه‌های بسیاری در حوزه رفاه مطرح شده است که رفاه را تابعی از درآمد و نحوه توزیع درآمد در نظر می‌گیرند، که از جمله مهمترین آنها می‌توان به تابع رفاه آمارتیاسن اشاره کرد که رفاه را تابعی از درآمد سرانه و ضریب جینی می‌داند. لذا می‌توان رابطه بین تغییرات سیاست تجارت خارجی و رفاه اقتصادی را نتیجه گرفت.

همچنین دولت ها در زمینه رفاه عمومی سیاست‌های اجتماعی‌ای را باید برنامه‌ریزی کنند که شرایط اجتماعی اجازه می‌دهد. این سیاست‌ها باید شرایط اجتماعی سخت را به شرایط رفاه عمومی تبدیل کند. دولت مامور و معذور نیست طبق برنامه‌ای که با شرایط اجتماعی منطبق نیست حرکت کند. نرمش و انعطاف‌پذیری یکی از ارکان اساسی راهبردی در رفاه عمومی است.بنابراین لازم است تا دولت در چارچوب برنامه های اقتصادی که هدف آن افزایش رفاه عمومی می باید راهبردهایی را نیز بدین منظور لحاظ نماید که این راهبردها باعث دستیابی به اهداف رفاه عمومی نیز خواهد شد.

تجربه یک دهه گذشته ایران نشان می‌دهد که ممکن است رشد اقتصادی به ایجاد مشاغل جدید منجر نشود و کانالی برای توزیع درآمد در میان شهروندان ایجاد نشود. از طرف دیگر، تمرکز بر رشد اقتصادی ممکن است منجر به تحریک انگیزه دولت برای دستیابی به رشد به هر قیمتی شود. مثلا اگر دولت برای تحریک اقتصاد به بانک مرکزی و شبکه بانکی فشار آورد، ممکن است به هدف رشد اقتصادی کوتاه‌مدت به قیمت از دست دادن رشد بلندمدت دست یابد. در چنین شرایطی باز رشد اقتصادی می‌تواند گمراه‌کننده باشد. بنابراین برای ارزیابی عملکرد دولت باید در کنار رشد اقتصادی به شاخص‌های دیگری نیز توجه کرد که فراگیر بودن رشد و ثبات آن در بلندمدت را نیز منعکس کند. توجه به عملکرد بازار کار می‌تواند این موضوعات را پوشش دهد. ایجاد مشاغل جدید در بخش خصوصی تنها زمانی ایجاد می‌شود که چشم‌انداز اقتصاد مثبت باشد و این مشاغل جدید فراگیری رشد را تضمین می‌کنند. باید توجه داشت که رشد اقتصادی تغییر در قدرت خرید مردم را

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

نشان می‌دهد و ایجاد مشاغل جدید فرآیندی برای توزیع درآمد ایجاد شده در میان شهروندان است؛ بنابراین دولت باید به مشاغل ایجاد شده در بخش خصوصی نیز توجه داشته باشد. رشد اقتصادی بدون اشتغال نمی‌تواند معیاری برای بهبود رفاه اقتصادی باشد

آزاد سازی واردات کالاهای سرمایه‌ای به دلیل ایجاد ظرفیت‌های تولیدی و اقتصادی در کشور و در نتیجه رشد اشتغال که هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت حاصل می‌شود، مستلزم توجه بیـشتر در تنظیم سیاست‌های آزاد سازی تجاری در این بخش است. این سیاست‌ها می‌تواند از طریق برقراری ترتیبات تجاری آزاد و یا ترتیبات تعرفه ترجیحی با سایر شرکای اصلی تجاری، پایه-ریزی شود. از طرفی تنظیم سیاست‌های بلندمدت تجاری بر پایه کاستن از میزان واردات کالاهای مصرفی و افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای به منظور افزایش اشتغال در بلندمدت که به تامین منابع واسطه‌ای بخش‌های صنعتی منجر گردد از توصیه‌های اصلی این مطالعه بـه تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

منابع

۱. آرمان مهر، محمدرضا، فرهمندمنش، آسیه (۱۳۹۶). بررسی اثر تغییرات قیمت بر رفاه خانوارهای شهری به تفکیک دهک های درآمدی و گروه های کالایی. *فصلنامه مدلسازی اقتصادی*، دوره ۱۱ .شماره ۳، ۷۴-۴۹.

۲. بهرادامین، مهدی؛ زمانیان، غلامرضا؛ اسفندیاری، مرضیه. ۱۳۹۶. «بررسی نقش سیاست هدف-گذاری تورم در اثرگذاری شوک‌های نفتی بر تجارت خارجی ایران». *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*.

۳. براتی، رضا؛ شیرخانی، علی. (۱۳۹۲). «سیاست خارجی عمل‌گرایانه و توسعه‌ی اقتصادی (مطالعه‌ی موردی: چین از سال ۱۹۷۸-۲۰۱۰)». *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*. دوره ۴. شماره ۱۲. ۱۳۳-۱۶۴.

۴. برقی اسکویی. ۱۳۹۴. «تأثیر کاهش نرخ تعرفه کالاهای وارداتی بر بازار کار ایران (مطالعه موردی: بخش کشاورزی و بخش صنایع غذایی، پوشاک و نساجی)». فصلنامه مدلسازی اقتصادی. دوره ۹. شماره ۳۲. ۲۵-۴۰.

۵. بلیک،مور(۱۳۸۵).«مقدمه ای بر سیاستگزاری اجتماعی».ترجمه علی اصغر سعیدی.موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.

۶. پیغامی، عادل، منصوری، سمانه (۱۳۹۵).«برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی تاب‌آور، دلالت‌های راهبردی و اعتباربخشی یک مدل ترکیبی برای اقتصاد مقاومتی». *اندیشه مدیریت*.دوره ۱۰.شماره ۲، ۵-۴۰.

۷. جعفری، احمد، قادری، سامان، قادری، صلاح الدین، کتابی، طاها (۱۳۹۱). بررسی اثر بازبودن تجاری و جهانی شدن اقتصادی بر اشتغال: رویکرد آزمون کرانه ها.دوره ۱،شماره ۱۳،.۲۳-۴۵.

۸. جعفری سرشت، داوود و همکاران(۱۳۹۸)، اثر امنیت اقتصادی و تجارت خارجی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی)، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، دوره ۸، شماره ۲۷ - (۱۳۹۸-۶)

۹. ذوقیپور، آمنه؛ زیبایی، منصور. ۱۳۸۸. «بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر بخش‌های اقتصادی ایران: مدل تعادل عمومی قابل محاسبه». *نشریه پژوهش‌های اقتصادی*. دوره ۹. شماره ۳. ۱۱۳-۱۳۸.

۱۰. مصری‌نژاد، شیرین. ۱۳۸۹. «آزادسازی تجاری و رقابت‌پذیری بین‌المللی در ایران: کاربرد مدل تعادل عمومی قابل محاسبه». *نشریه مطالعات اقتصاد بین الملل*. دوره ۲۱. شماره ۳۷. صص ۱۰۱-۱۱۶.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۱۱. مهیمنی،منصور،یاوری ،کاظم،جلالی،عبدالمجید،جعفرزاده،بهروز(۱۳۹۸). تأثیر تغییرات ساختاری بر رفاه اقتصادی در ایران،رهیافت مدل‌های تعادل عمومی محاسبه‌پذیر.*فصلنامه اقتصاد مالی*.دوره ۱۳ ،شماره ۴۸ ،.۱۶۷-۱۹۰.

۱۲. محمودی،عبداله(۱۳۹۳).اثر آزادسازی تجاری بر رفاه شرکای تجاری با استفاده از مدلGTAP (مطالعه موردی: ایران). *پژوهش های رشد و توسعه پایدار*.دوره ۱۴، شماره ۱، ۲۳-۴۵

۱۳. موهبتی،یاسر(۱۳۸۷).«روش ایجاد دولت رفاه در ایران چیست؟»پایان نامه کارشناسی ارشد.دانشگاه امام صادق(ع).دانشکده الهیات و اقتصاد.

۱۴. محمودی، سید جلال و همکاران(۱۳۹۹)، مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای اقتصادی تعرفه‌گذاری کالاهای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، دوره ۹، شماره ۳۲ - (۱۳۹۹-۹)

۱۵. نیک‌منش، لیدا. ۱۳۸۵. «بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر بازار نیروی کار در ایران: الگوی تعادل عمومی کاربردی». رساله کارشناسی ارشد به راهنمایی موسوی محسنی، دانشگاه شیراز.

۱۶. وفائی، الهام، محمدزاده، پرویز، اصغرپور، حسین، فلاحی، فیروز (۱۳۹۷). ارزیابی رفاه اجتماعی و همگرایی رفاه استان-های ایران برای سنجش توسعه مناطق ایران. *فصلنامه مدلسازی اقتصادی*، دوره ۱۲،شماره ۳، ۱-۱۲.

17. Abreu, M.D. 2013. Preferential Rules of origin in Regional Trade Agreements, Staff Working Paper ERSD 2013–05. World Trade Organization. 22 March.
18. Ayoki, M. 2013. Trade Policies and Poverty in Uganda: A Computable General Equilibrium Micro Simulation Analysis, Nairobi: African Economic Research Consortium.
19. Creedy, J. 2014. Interpreting inequality measures and changes in inequality. Working Paper 11/2014
20. Cling, J.P. 2009. “The Distributive Impact of Vietnam’s Accession to the WTO”, Economie Internationale. pp.43-71.
21. John, A. Cranfield, L. 2011. "On the estimation of an implicitly additive demand system". Applied Economics, 32:1907-1915
22. Hyun, H.S. Kakwani, N. 2018. "Measuring the impact of prices on inequality: With Applications to Thailand and Korea". Journal of Economic Inequality. 4: 181-207.
23. Doan, T. Xiang, Y. 2018. "Trade efficiency, free trade agreements and rules of origin". Journal of Asian Economics. 55 (2018). 33-41.
24. Natalie, C. Novy, D. 2011. "Gravity, trade integration and heterogeneity across industries". Journal of International Economics. vol 1, pp 206-221.
25. Jones, V.C. 2015. International Trade: Rules of Origin, Congressional Research Service, June 24.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

26. Loughrey, J. O'Donoghue, C. 2012. "The impact of price changes on household welfare and inequality1999-2011". The Economic and Social Review. 43, (1): 31-66.
27. Omolo, M.W.O. 2011. The Impact of Trade Liberalization on Poverty in Kenya, Nairobi: Institute of Economic Affairs.
28. Osberg, L. & Sharp, A. (2019). Human well-being and economic well-being: what value is implicit in current indices? CSLS Research Report, NO. 2003-04.
29. Slensnik, T.D.; (2019); "Empirical Approach to the Measurement of Welfare", Journal of Economic Literature, Vol. XXXVI, 12(90). 2108-2165.
30. Rutherford, T. 2005. Poverty Effect of Russia's WTO Accession: Modeling Real Household and Endogenous Productivity Effects, World Bank Policy Research Working Paper.
31. Ranjan, P. (2020). Globalisation, Jobs, and Welfare: The roles of social protection and redistribution. CESifo Working Paper Series, 12(88).1-23. Vartia, Y.O.; (2020); "Efficient Methods of Measuring Welfare Change and Compensated Income in Terms of Ordinary Demand Function", Journal of Econometrica, 51(1). 79-98

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]